

## شواهدی از نهادهای اقتصادی - اجتماعی (؟) جوامع عصر آهن در مرکز فلات ایران

سجاد علی بیگی  
دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران  
و  
شکوه خسروی  
دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

از ص ۸۵ تا ۱۰۸

### چکیده:

مطالعه و درک ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع عصر آهن، یکی از جنبه‌های مهم مطالعات باستان‌شناسی این دوره به شمار می‌رود. تاکنون پژوهش‌های باستان‌شناختی عصر آهن ایران تا حد زیادی به مطالعه و مقایسه گونه شناختی یافته‌های حاصل از کاوش در گورستان‌های این دوره پرداخته و کمتر توجهی به مطالعه و بازسازی جنبه‌های گوناگون ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع این دوره شده است. آگاهی‌های باستان‌شناختی ما از عصر آهن ایران تا حد زیادی برپایه کاوش در گورستان‌های این دوره استوار است و در این میان، توجه چندانی به داده‌های ارزشمند محوطه‌های استقرار نشده است. بیشتر پژوهشگران تا به امروز مردمان عصر آهن ایران را جوامعی فاقد ساختارها و نهادهای سازمان یافته اداری و سیاسی تلقی نموده و به صرف شمار اندک محوطه‌های استقرار مردمان این دوره را دامداری کوچرو معرفی نموده‌اند. مطالعه، تفسیر و تحلیل یافته‌های حاصل از کاوش در محوطه‌های استقرار این دوره در مرکز فلات ایران، افقی نوین درباره حضور نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و وجود سازمان یافتگی‌هایی را در این میان بر ما آشکار ساخته است. کشف چند قطعه سفال خاکستری با نقش مهر استوانه‌ای در کنار شواهدی چون مهرها، توکن‌های گچی، خمره‌های بزرگ سفالی و بقایای پلمپ در خمره در میان انباری و فضاهایی با کاربری ویژه در محوطه‌های بزرگ و مهم استقرار عصر آهن، شواهدی از سازمان یافتگی‌های اقتصادی - اجتماعی به ویژه در ارتباط با امور کشاورزی و فعالیت‌های مربوط به آن در اختیار قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: عصر آهن، محوطه‌های استقرار، نهادهای اقتصادی - اجتماعی (؟)، سازمان یافتگی، فعالیت‌های کشاورزی.

## مقدمه:

کشف قطعه سفالی با نقش مهرزده از تپه گلستان رباط کریم و آگاهی‌های اندک از دیگر نمونه‌های همسان ما را بر آن داشت تا در نوشتاری کوتاه به معرفی و توصیف این سفال‌ها بپردازیم و سپس درباره مضامین اقتصادی - اجتماعی آنها دست به نظریه‌پردازی بزنیم. در گام نخست به نظر می‌رسید که نقش مهرزده گونه‌ای کم شناخته و نه چندان فراگیر در تزئین ظروف سفالی عصر آهن فلات مرکزی است. تأمل در موضوع نقوش، شکل ظروف، محل ایجاد نقش بر روی ظروف سفالی و بافت باستان‌شناختی این قطعات اندیشه ما را به سوی دیگری هدایت کرد. براساس مطالعه نقوش به نظر می‌رسد این صحنه‌ها در رابطه با بیان موضوع یا فعالیتی چون کشت و کار و امور مدیریتی و نظارتی مربوط به آن است. نخستین جرعه چنین فرضی در بحث با مهرداد ملکزاده زده شد؛ در واقع او چنین ایده و فرضی را مطرح و به نگارندگان پیشنهاد کرد. همان‌گونه که می‌دانیم نقوش سطح مهرها، به ویژه نمونه‌هایی که موضوع یا رویدادی را روایت می‌کنند، مفهوم خاصی دارند که متکی به نحوه زندگی صاحبان مهر یا تشکیلاتی خاص است؛ مهر در واقع امضایی مربوط به افراد مختلف و نمایشی از قدرت اجتماعی است که سیستم جامعه را نظم و انضباط می‌بخشید.

نقوش برخی از مهرهای نیمه دوم هزاره چهارم ق. م. نمایانگر صحنه‌های مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی از قبیل شخم زدن، بذر پاشیدن و جمع‌آوری غلات است (شکل ۱). با مطالعه این مهرها می‌توان درباره انواع وسایل و روش‌هایی که روستائیان در فعالیت‌های کشاورزی چون، بذرپاشی، شخم زمین، بیل زدن و جمع‌آوری غلات بکار می‌برده‌اند، اطلاع حاصل کرد (بیانی، ۱۳۷۵، ص ۴۵).

مثلاً بر قطعه گل دهانه کوزه‌ای از اواسط هزاره چهارم ق. م. از شوش اثر مهری باقی مانده (شکل ۲) که مردانی برهنه را در حال شخم زدن زمین نشان می‌دهد در حالیکه شخص دیگر به بذرآفشانی مشغول است (همان، ص ۵۱) بر اثر مهری از دوره آغاز نگارش نیز که از چغامیش به دست آمده است نقش فردی در حال شخم زدن دیده می‌شود (Delougaz and Kantor, 1996, pl.146 B). بر روی برخی مهرها نیز نقش انبار علفه و سیلو برای جا دادن و حفظ غلات و حبوبات دیده می‌شود (شکل‌های ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷). در نقش مهری از شوش (شکل ۸) می‌بینیم که چند نفر، ظروف یا پیمانه‌های غله را به دو نفر که در مقابل خمره بزرگی ایستاده‌اند، می‌دهند تا آنها محصول را درون خمره بریزند (بیانی، ۱۳۷۵، ص ۵۱؛ Pl. 16. No. 655; Amiet, 1972). به احتمال زیاد این مهرها متعلق به ملاکین و کشاورزان بزرگ و یا مأمور خاصه فرمانروایی محلی بوده که امور ملکی و جمع‌آوری محصول بر عهده وی بوده است (بیانی، ۱۳۷۵، صص ۷۳-۷۱).

در واقع شکل پیام را می‌توان به عنوان بخشی از فرمول انتقال پیام به دیگران در مهرها و اثر مهرها جستجو کرد. به طور کلی سبک و نقش تصاویری که بر روی مهرها کنده می‌شد، می‌توانست به عنوان شکل پیام در فرایند انتقال اطلاعات محسوب گردد (Rothman, 1994, 99).

به هر تقدیر چنین به نظر می‌رسد که صحنه‌های روزمره در نقوش مهرها بیانگر نوعی فعالیت و در موارد خاص، نشان از سازماندهی و انضباط در اداره امور اقتصادی - اجتماعی است که به احتمال فراوان به وسیله یک نهاد یا سازمان سیاسی کنترل می‌شده است. هدف ما در این مقاله به کارگیری الگوهای نظری پیش گفته در جهت معرفی، توصیف و تفسیر نقوش سفال‌هایی با اثر مهر استوانه‌ای است که طی پژوهشهای باستان‌شناختی در فلات مرکزی به دست آمده است. به نظر می‌رسد که تا به حال تنها پنج نمونه سفال با این ویژگی از فلات مرکزی به دست آمده است، اما در نقاطی دورتر چون گوی تپه در شرق دریاچه ارومیه

(Burton-Brown 1951:34)، تپه یحیی در جنوب کرمان (وایت هاوس، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱)، آکروپل شوش در دشت شوشان (Amiet, 1972, pl.110 no:1023; 1985:fig1)، گوران در دره هلیلان (Thrane, 2001, p87,fig.74)، تپه خان ابراهیم شاه در کبان ترکیه (Ertem, 1971, p.61)، اوروک در جنوب بین‌النهرین (Boemer, 1985, pp.104-105)، کلاته مودیق در سوریه (Collon and Zaqozouq, 1972, p.22)، تایپ تپه در آسیای مرکزی (ساریانیدی به نقل از: پیتمن، ۱۳۸۴، ص ۴۸) و توردوس در رومانی (Hood, 1973-4, pp. 87-97) نیز سفال مهرزده گزارش شده است. پیش از این سفال‌های زیادی با نقش مهر مسطح از محوطه پیش از تاریخی شهداد (Hakemi, 1996, p. 66)؛ حاکمی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۹ و ۱۶۷) و سفال‌هایی با نشانه‌های گوناگون به شکل‌های مختلف حکاکی، نقاشی و خراشیده از شهداد (Hakemi, 1997, p.167)، تپه یحیی (Lamberg-Karlovsky, 1970)، بمپور (De cardi, 1970) و شهر سوخته (Sajjadi, 2003؛ سید سجادی، ۱۳۸۲) از هزاره سوم ق. م. در سرزمین‌های شرقی فلات ایران و از عصر آهن ۱ در گورستان قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۹) به دست آمده است.

### تپه گلستان رباط کریم:

تپه باستانی گلستان با وسعتی در حدود ۵ هکتار و ارتفاعی نزدیک به ۲ متر در شرق شهرکی به همین نام، در ۲۰ کیلومتری شرق شهرستان رباط کریم واقع شده است (نقشه ۱، تصویر ۱). محوطه در  $35^{\circ} 31' 9''$  طول و  $51^{\circ} 11' 36''$  عرض جغرافیایی و در ارتفاع ۱۰۶۷ متری از سطح آبهای آزاد قرار گرفته است. تپه گلستان از شمال به رودخانه شاد چای، از جنوب و شرق به اراضی کشاورزی و از جانب غرب با فاصله نچندان زیادی به منازل مسکونی شهرک گلستان محدود می‌شود. قسمت‌هایی از عرصه محوطه در زیر یک مرغداری قرار گرفته و قسمت‌های جنوبی‌تر آن نیز در فروردین ماه سال ۱۳۸۵ به وسیله لودر شهرداری گلستان تخریب شده است. تپه گلستان و دیگر محوطه‌های باستانی شهرستان رباط کریم در سال ۱۳۸۰ و طی برنامه بررسی و شناسایی آثار فرهنگی - تاریخی این شهرستان توسط محسن باقری شناسایی و ثبت شد (باقری، ۱۳۸۰). باقری براساس مطالعه مقدماتی یافته‌های سطحی، تپه گلستان را به دوره‌های پیش از تاریخ، هزاره دوم و اول ق. م. تاریخگذاری کرده است (باقری، ۱۳۸۰، ص ۵۹، ۱۳۸۱، ص ۳۱). در بهار ۱۳۸۵ و در جریان بازدید و بررسی تپه گلستان به منظور پیشنهاد تعیین حریم و نشانه گذاری، مجموعه‌ای از سفال‌های سطحی گردآوری شد (تصویر ۲). مجموعه سفال‌های سطحی گردآوری شده از تپه گلستان شامل قطعه سفال‌های خاکستری سیاه و خاکستری عصر آهن ۱ و ۲ است. علاوه بر اینها چند قطعه سفال نخودی منقوش و قطعاتی از سفال خاکستری - سیاه یانیق با نقش کنده زیگزاک مانند در زیر لبه نشان از استقرار فرهنگ‌های اواخر هزاره چهارم و عصر مفرغ قدیم در محوطه است (علی‌بیگی، ۱۳۸۵).

در میان مجموعه سفال‌های گردآوری شده از تپه گلستان نمونه‌ای به چشم می‌خورد که دارای نقش یک مهر استوانه‌ای بود (تصویر ۳ و شکل ۹). این قطعه سفال ۱۱ سانتیمتر طول و ۱۰ سانتیمتر پهنا دارد و قسمتی از شانه یک ظرف خاکستری رنگ با ضخامت بین ۱۳-۱۱ میلی‌متر را تشکیل می‌دهد است (علی‌بیگی و خسروی؛ زیر چاپ). این سفال دارای خمیره منسجم خوب ورز داده شده، پوشش گلی خاکستری در دو طرف، شاموت ماسه نرم و مقدار اندکی خرده سفال می‌باشد و با استفاده از چرخ سفالگری ساخته شده است. با توجه به رنگ متفاوت مغز سفال که بخشی از آن قهوه‌ای رنگ است، چنین به نظر می‌رسد که این ظرف پیش از پخت کامل از کوره خارج شده است. آنچه بر سطح این قطعه باقی مانده، تکرار بیش از یکبار

غلطیدن مهری استوانه‌ای است. نقش ایجاد شده ۱۰ سانتیمتر طول و حداکثر ۲/۹ سانتیمتر پهنا دارد (Alibaigi & Khosravi 2009). طول صحنه اصلی ۶/۳ سانتیمتر و بقیه طول نقش، تکرار همان صحنه است. براساس طول نقش، فرم استوانه‌ای و مقطع مدور مهر، به احتمال فراوان، مهر استفاده شده دارای ۲ سانتیمتر قطر و ۲/۹ سانتیمتر بلندی بوده است. موضوع اصلی نقش انجام فعلی روزمره توسط دو مرد را نشان می‌دهد. تصویر این دو با مو یا سربندهای بلند، گویی در حال اهتزاز دیده می‌شود. از دید نگاره‌شناختی آرایش موی یکی از این افراد مشابه نقش سفال مهر زده از تپه معمورین (شکل ۱۰ و تصویر ۴)، مهری استوانه‌ای از مارلیک (شکل ۱۱) (نگهبان، ۱۳۵۱؛ نک: طرح ۱۲)، تا حدودی شبیه به نقش جنگاوران بر سفال‌هایی از گورستان «ب» سیلک (تصاویر ۵۶) و نقش سواران بر مهری استوانه‌ای (شکل ۱۲) از همانجاست (Ghirshman, 1935, Pl.XIIIV, fig 2; 1939, LVI s. 810; 1963, p.13, 14; fig.7,9). نمایش دستگاه زاینده‌گی این افراد، حاکی از آن است که آنان برهنه و بدون پوششند. در میان این دو، گاو تنومند با شاخ هلالی و دم بلند دیده می‌شود. نفر سمت راست گویا ایستاده یا سوار بر وسیله‌ای است که با استفاده از طنابی به شاخ گاو بسته شده. این وسیله به احتمال فراوان گاو آهنی با دو تویی چرخ مانند و صفحه‌ای مسطح در وسط است. تشخیص چستی و کاربری این وسیله بدون توجه به نگاره‌های متعدد و شواهد مردم‌شناختی، کاری دشوار بود. بر صخره نگاره‌ای در سایمالی تاش در دره فرغانه در غرب قرقیزستان (تصاویر ۷ و ۸) کشاورزانی در حال شخم زدن زمین به وسیله گاو آهن و دو حیوان نشان داده شده است (بلنیتسکی، ۱۳۶۴، صص ۵۱-۵۰؛ فرامکین، ۱۳۷۰، II). شباهت بسیار نزدیک صحنه و به خصوص وسیله کار، ما را در شناسایی و تشخیص این فعالیت و ابزار مورد استفاده بسیار یاری می‌کند. مشابه حالت ایستاده مرد بر روی گاو آهن در سفال مهر زده تپه گلستان هم اکنون نیز در شیوه سنتی شخم زدن زمین در برخی مناطق مانند غرب ایران مشاهده می‌شود. در این روش به منظور سنگینی خیش و خارج نشدن آن از درون خاک و همچنین به منظور شخم عمیقتر، فردی به صورت ایستاده یا نشسته روی گاو آهن قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که سر طنابی در دست این مرد و سر دیگر آن به شاخ حیوان بسته شده، در دست دیگر او چوب یا شلاقی دیده می‌شود که آن را به بدن حیوان زده و سعی در به حرکت درآوردن آن دارد. حالت پاها و فرم بدن حیوان نیز نشان دهنده تلاش او برای کشیدن وسیله مورد نظر است. در سمت چپ تصویر روبه روی حیوان، مرد دیگری دیده می‌شود. این مرد با دو دست سعی در به حرکت درآوردن یا هدایت مسیر حیوان با کشیدن طناب یا حلقه‌ای دارد که در پوزه حیوان قرار گرفته است. حالت بدن این مرد نیز نشان دهنده تلاشی جدی برای حرکت دادن حیوان است. درست در زیر نقش این مرد نقش دیگری مشاهده می‌شود که با توجه به موضوع صحنه و شکل نقش به نظر می‌رسد که یک خرمن‌کوب با پرّه‌های متعدد، مشابه نمونه‌های سنتی سده‌های اخیر، یا وسیله‌ای از این دست باشد (این احتمال دور از ذهن نیست که این نقش را یک سنگ نیز بدانیم). با توجه به طرز به تصویر کشیدن مرد، به نظر می‌رسد که او (مرد سمت چپ) بر روی این وسیله نشسته است. تصویر دیگری که به دلیل تکرار نقش محل واقعی قرار گرفتن آن در موضوع اصلی مشخص نیست، نقش عقربی بزرگ با دم برگشته است که در یک طرف، سه و در طرف دیگر، چهار پا دارد. انتهای دم و سر این عقرب رو به سمت چپ نمایش داده شده است. براساس ترکیب نقوش و سنجش تصاویر مشابه با قطعه سفال مهر زده از تپه معمورین (تصویر ۴ و شکل ۱۰) و نقش صخره‌ای سایمالی تاش در غرب قرقیزستان چنین به نظر می‌رسد که نقشی که بر روی سفال تپه گلستان آمده نشان دهنده فعلی کشاورزی به ویژه شخم زدن زمین با استفاده

از گاوآهن است. علاوه بر سفال تپه گلستان، صحنه شخم زدن زمین و نقش گاوآهن از سایمالی تاش اصلی - ترین مدرک برای بازشناسی صحنه و چپستی وسایل و لوازم نقش شده بر سفال مهر زده از تپه معمورین است که اکنون بدان می‌پردازیم.

### تپه معمورین رباط کریم:

تپه سفالی معمورین در روستای معمورین شهرستان رباط کریم قرار گرفته و در سال ۱۳۷۰ طی پروژه احداث فرودگاه بین‌المللی امام خمینی قسمت‌هایی از آن تسطیح شد. این تپه با سه پشته شمالی، جنوبی و شرقی، ارتفاعی در حدود ۴ متر و وسعتی نزدیک به ۱۲ هکتار دارد (مهرکیان، ۱۳۷۴، ص ۷۴؛ ۱۳۷۵، ص ۳۴۷). تا به حال در نوشته‌ای به تعداد قطعات سفال مهر زده معمورین اشاره نشده است، اما در گفتگویی با جعفر مهرکیان کاوشگر تپه معمورین، ایشان اظهار داشتند که تنها یک قطعه سفال با این ویژگی از معمورین به دست آمده است (مهرکیان، ۱۳۷۰، ص ۸۶؛ گفتگو با جعفر مهرکیان، ۱۳۸۵). مهرکیان سفال مهرزده معمورین را چنین توصیف کرده است: «روی یک تکه سفال خاکستری متعلق به شانه یک ظرف خمره مانند نقش برجسته‌ای دیده می‌شود که در نوع خود یگانه است. این نقش برجسته دو نفر را در حال مهار چهارپایی (به احتمال، گاو) نشان می‌دهد. این نقش از یک سو کاربرد گاو آهن و گاو را در امور کشاورزی در این مرحله از فرهنگ سفال خاکستری ثابت می‌کند و از سوی دیگر استفاده از مهر استوانه‌ای را در تزئین سفال نشان می‌دهد» (مهرکیان، ۱۳۷۰، ص ۸۶). در گزارش مهرکیان و همچنین در خلاصه گزارش وستا سرخوش کرتیس و سنت جان سیمپسون نیز، تصویر (تصویر ۴) و سپس طرح (شکل ۱۰) قطعه سفالی مهر زده از معمورین منتشر شده است (مهرکیان، ۱۳۷۴، ص ۷۵؛ fig7؛ Curtis and Simpson, 1997, p. 143). این قطعه سفال با ۶ سانتیمتر طول و ۴ سانتیمتر پهنا مربوط به شانه خمیره‌ای خاکستری رنگ می‌باشد که از کاوش در بافتی استقرار یافته است. در این نقش، تصویر مردی ایستاده با لباس و سر بند بلند، پاهای باریک و با زانوهای اندک خم شده به جلو مشاهده می‌شود. روبه‌روی مرد، حیوانی با شاخ هلالی، پاهای خم شده و دم کوتاه که احتمالاً یک گوزن یا گاو است، قرار دارد. مرد با دو دست در حال تلاش برای حرکت دادن یا هدایت مسیر حیوان به وسیله کشیدن طناب یا حلقه‌ای است که در پوزه یا بینی حیوان تعبیه شده. در سمت راست نقش، تصویر یک وسیله دیده می‌شود؛ این وسیله، دارای دو چرخ یا تویی با یک صفحه مسطح در وسط است و با طنابی به شاخ حیوان بسته شده و حیوان در تلاش برای به حرکت درآوردن یا جا به جا کردن آن است (پاهای خم شده حیوان، نشان از تلاش برای به حرکت درآوردن وسیله مورد نظر می‌باشد). متأسفانه دیگر قسمت‌های سمت راست نقش شکسته شده و تصویر دیگری قابل مشاهده نیست. علاوه بر اینها در گوشه بالای سمت چپ نقش، تصویری وجود دارد که به احتمال، وسیله‌ای دیگر در ارتباط با فعالیت به تصویر کشیده شده و یا نقش یک سگ است. همان گونه که پیش از این هم آمد، نقش این قطعه نیز، صحنه شخم زدن زمین و فعالیت کشاورزی را نشان می‌دهد. به هر تقدیر، نقش سفال تپه گلستان کمک شایانی به بازشناسی و بازسازی صحنه نقش شده بر سفال مهر زده معمورین و حتی قلی درویش خواهد کرد.

### محوطه باستانی قلی درویش قم:

محوطه باستانی قلی درویش جمکران در حاشیه جنوب غربی شهر قم در ابتدای بزرگراه جدید قم - جمکران و در ضلع غربی میدان بقیه‌الله در کیلومتر اول جاده قدیم قم به کاشان واقع شده است. به رغم آسیب‌های فراوان و تسطیح و تخریب بیش از ۹۰٪ محوطه، امروزه بقایای باستان‌شناختی در محوطه‌ای بیش از ۳۰ هکتار به شکل چند پشته کوچک و کم ارتفاع و منفک از هم، گسترده است.

کاوش در قلی درویش، طی ۴ فصل در سالهای بین ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ به سرپرستی سیامک سرلک انجام شده است. طی فصل دوم کاوش در محوطه باستانی قلی درویش و در تپه ب، از معماری مرحله II یک انباری بزرگ به مساحت ۲۰ مترمربع به دست آمد (تصویر ۹). درون کف انباری تعداد زیادی خمره بزرگ و کوچک ذخیره غلات تعبیه شده بود. «از درون انباری تعداد زیادی قطعات پلمپ گچی در خمره با اثر طناب پیچیده شده دور در خمره، توکن‌های گچی و سفالی در ابعاد گوناگون و منظم و استاندارد، مهرهای استوانه‌ای و قطعه سفالی مهرزده مربوط به شانه خمره‌ای خاکستری رنگ (تصاویر ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳) به دست آمد» (سرلک، ۱۳۸۶، صص ۱۹۴-۱۹۳). در مقاله‌ای درباره این قطعه سفال چنین آمده است: «نقش این تکه سفال، یک جانور با آرواره گشوده و پوزه باریک و احتمالاً ریش تویی شکل را نشان می‌دهد که یک عقرب به شکل عمودی با دم بلند هلالی شکل در رو به روی آن قرار دارد و دم عقرب هم احتمالاً به انتهای تنه یک درخت (؟) متصل است» (سرلک و ملکزاده، ۱۳۸۴، ص ۶۱).

اما شاید بتوان نقش را به گونه دیگری نیز توصیف کرد. مهمترین مدرک برای بازبینی و بازشناسی این تصویر، نقش سفال به دست آمده از تپه معمورین است. در آنجا تصویر انسانی با زانوهای اندک خم شده به جلو، بسیار مشابه نقش سفال مهرزده قلی درویش به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد در نقش سفال مهرزده قلی درویش در سمت راست عقرب، نیم تنه پایینی انسانی با پاهای باریک و خم شده به جلو دیده می‌شود که روبه سمت راست ایستاده است. نکته دیگر اینکه اگر ما نقش مذکور را حیوانی با آرواره گشوده فرض کنیم، پاهای این حیوان به عقب خم شده، در حالی که خم شدن زانوها به عقب حالتی نامتعارف است. باز توصیفی از نقش سفال مهرزده قلی درویش منجر به شناخت هر چه صحیح‌تر نقش و شباهت و همگونی بیش از پیش قطعات مهرزده قلی درویش، معمورین و گلستان خواهد شد.

### تپه سگزآباد قزوین:

تپه باستانی سگزآباد یا قره‌تپه محوطه باستانی بیضی شکلی است، که در بخش جنوب غربی دشت قزوین در حدود ۸ کیلومتری شمال روستای (شهرک) امروزی سگزآباد در ۶۰ کیلومتری جنوب شهرستان قزوین و حدود ۱۴۰ کیلومتری غرب تهران واقع شده است. این محوطه با وسعتی در حدود ۱۲ هکتار از سطح زمین‌های اطراف، حدود ۵ متر بلندی دارد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۲، ص ۶۸). تپه سگزآباد در ۱۱/۲ ۵۷ ۴۹ طول شرقی و ۴۹ ۳۵ عرض شمالی و در ارتفاع ۱۲۶۸ متری از سطح آبهای آزاد قرار دارد. در سال ۱۳۵۵ کاوش در سگزآباد به سرپرستی دکتر حسن طلائی به انجام رسید و طی آن لایه‌های استقراری عصر آهن لایه نگاری شد. در این فصل برای نخستین بار در فلات مرکزی، آثار معماری و ساخت و سازهای مربوط به عصر آهن در محوطه‌ای به مساحت ۳۰۰ مترمربع کشف و شناسایی شد (Talai 1983).

بقایای معماری سگزآباد متشکل از اتاقها، انباری، تالار و راهرو ورودی می‌باشد که مستقیماً روی بقایای معماری اواخر عصر مفرغ قرار گرفته است (طلایی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲). کاوشها در سگزآباد در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ به سرپرستی دکتر طلایی ادامه یافت (طلایی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۵؛ ۱۳۸۵، ص ۱۴۵). بر اساس آگاهی‌های کنونی، قره تپه سگزآباد تا به امروز ۱۱ فصل مورد کاوش قرار گرفته است. در گفتگویی با دکتر حسن طلایی کاوشگر فعلی تپه سگزآباد، ایشان اظهار داشتند که از کاوش سال ۱۳۷۶ یک قطعه سفال با نقش مهر استوانه‌ای از بافتی استقرار و گویا در فضایی به همراه چند خمره بزرگ ذخیره غلات و در کنار تعدادی توکن سفالی و مهرهای استوانه‌ای به دست آمده است. نقوش ایجاد شده و بر جای مانده بر روی این قطعه شامل نقوش انسانی می‌باشد که بر اثر غلطاندن مهری استوانه‌ای به ارتفاع ۳-۲ سانتی‌متر بر شانه یک ظرف خاکستری رنگ ایجاد شده است.

### تپه سیلک کاشان:

محوطه باستانی سیلک که اکنون در حاشیه شهر کاشان قرار گرفته، شامل دو تپه شمالی و جنوبی به فاصله ۶۰۰ متر از یکدیگر و دو گورستان الف و ب است. بر اساس نتایج کاوش، تپه شمالی در بردارنده آثار کهن‌تر یعنی دوره‌های نوسنگی و مس و سنگ (سیلک ۱ و ۲) و تپه جنوبی در برگیرنده آثار دوره مس و سنگ (سیلک ۳ و ۴) است.

یافته‌های گورستان «الف» مربوط به عصر آهن ۱ و یافته‌های گورستان «ب» به عصر آهن ۳ تاریخگذاری شده است. از چندین فصل کاوش در میان نهشته‌های باستان شناختی سیلک، تنها یک قطعه سفال با نقش مهر زده به دست آمده است (شکل ۱۳). دکتر ملک شه‌میرزادی، کشف این قطعه را این‌گونه توصیف می‌کند: «در حین آواربرداری در منطقه‌ای واقع در جنوب زیگورات سیلک، جلو راه بالارو شیب‌دار زیگورات یک قطعه سفال و تعدادی آجر شکسته تزئینی به دست آمدند که پس از شستشو معلوم شد دارای اثر نقش مهر استوانه‌ای هستند» (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۵). آقای ناصر نوروززاده چگینی در مقاله‌ای در گزارش فصل نخست «طرح بازنگری سیلک» چنین عنوان کرده که «قطعه‌ای سفال به رنگ قهوه‌ای روشن و اثر مهر بر روی آن که ارتفاعش حدود سه سانتیمتر است. نقش به کار رفته عبارت است از یک درخت زندگی (نقش مرکزی) و حیواناتی که در یک سمت آن قرار دارند. چهارپایی که سر و گردن خود را به سمت چپ گردانده و به سوی درخت نگاه می‌کند و حرکت آن به سمت چپ می‌باشد. بخشهایی از بدن یک حیوان دیگر؟ که با دست‌های خود به سوی درخت بلند شده مشاهده می‌شود. آنچه بر روی سفال باقی مانده، تکرار دوبار غلطیدن مهر است و نشان می‌دهد که مهر استفاده شده، باریک بوده است. سفال دارای ابعاد ۱۰/۵ سانتیمتر طول و ۹/۵ سانتیمتر عرض است. نقش، روی شانه ظرف ایجاد شده و اثر ریسمان باریکی در پایین نقش روی سفال مشاهده می‌شود» (نوروززاده چگینی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲). این قطعه و دیگر آجرهای منقوش سیلک مربوط به نیمه دوم دوره آغاز نگارش و یا دوره آغاز عیلامی تاریخگذاری شده‌اند (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۱، ص ۳۴). ملکزاده با توجه به پیشینه چنین یافته‌هایی (به خصوص آجرهای منقوش) و همچنین مقایسه ساختاری نقوش تزئینی و همسانی و همگونی نگاره‌شناختی میان این یافته‌ها و دیگر یافته‌های عصر آهن همچون مهرها و سفالینه‌ها چنین تاریخگذاری را مورد تردید قرار داده و معتقد است که این قطعات به عصر آهن ۳ تعلق دارند (ملکزاده، ۱۳۸۳، الف، صص ۷۲-۷۱؛ ۱۳۸۳، ب، صص ۲۱-۱۸؛ همچنین نک: سرلک و

**نتیجه‌گیری:**

با توجه به تعداد اندک قطعات سفال با نقش مهرزده و اطلاعات محدود در زمینه گاهنگاری دقیق و مطمئن و همچنین دانسته‌های اندک از بافت و نهشت کشف این نمونه‌ها، تاریخگذاری و هرگونه اظهار نظری در مورد آنها، خالی از خطا و کاستی نخواهد بود. تنها پنج نمونه سفال با نقش مهر زده از معمورین، قلی درویش و گلستان، سگزآباد و سیلک در فلات مرکزی به دست آمده است. نگاهی به گستره جغرافیایی کشف این نمونه‌ها نشان می‌دهد که این قطعات احتمالاً نشانگر یک سنت فرهنگی همگون در عصر آهن فلات مرکزی می‌باشند. مورد تاریخگذاری دقیق این نمونه‌ها به جزء یافته قلی درویش نمی‌توان به صراحت بحثی به میان آورد. قطعه سفال قلی درویش بر اساس نتایج آزمایش کربن ۱۴ از نهشته‌های معماری، مربوط به ۱۳۰۰-۱۴۰۰ ق. م. و عصر آهن ۱ است. با این وجود، نمونه‌های به دست آمده از سگزآباد، معمورین و گلستان نیز مربوط به عصر آهن ۱ دانسته شده‌اند. هر چند در مورد قطعه سفال مهرزده و آجرهای منقوش سیلک که همراه با هم به دست آمده‌اند تردیدی جدی وجود دارد اما به اعتقاد نگارندگان نیز این نمونه با توجه به ویژگی‌هایش مربوط به عصر آهن ۳ است. به طور کلی با توجه به ویژگی و بستر کشف این نمونه‌ها در مورد تعلق آنها به عصر آهن می‌توان تا حدود زیادی با اطمینان بحث کرد. در بیشتر نقوش مورد مطالعه تصویر حیوان به ویژه عقرب، گاو و احتمالاً سگ (?) دیده می‌شود. وجود این حیوانات به احتمال با فعالیت و فرایند به تصویر کشیده ارتباط دارد، اما ماهیت این ارتباط هنوز برای ما روشن نیست. موضوع نقش در دو نمونه گلستان و معمورین و تا حدودی قلی درویش بسیار مشابه یکدیگر است. کشف سفال با نقش مهرزده از تپه گلستان در باستان‌شناسی و بازسازی صحنه ایجاد شده بر روی سفال تپه معمورین نقشی اساسی دارد و به نظر می‌رسد این نقوش دقیقاً یک موضوع را در قالب دو مهر مختلف بیان داشته‌اند.

تا آنجا که می‌دانیم سفالهای با نقش مهرزده در بافتی خارج از گورستان‌ها و در محوطه‌های بزرگ و مهم استقرار عصر آهن به دست آمده‌اند؛ جایی که وجود فعالیت اقتصادی - اجتماعی در آنها دور از انتظار نیست. اما از کاوش در گورستان‌ها حتی یک نمونه از ظروف با این ویژگی به دست نیامده، این موضوع، حدس و گمان ما را بسیار تقویت می‌کند.

در اکثر نمونه‌ها مهر بر شانه ظروف خمره مانند غلطانده شده؛ جایی که به هنگام ایستایی ظرف، کاملاً دید داشته باشد. به نظر می‌رسد با توجه به فرم ظروف، محل اجرای نقش، موضوع نقوش و به دست آمدن تمامی قطعات در محل‌هایی غیر از گورستان، رابطه‌ای میان کاربرد ظروف و مهر زدن آنها وجود داشته باشد. پیشتر تصور ما این بود که نقش مهر زده گونه‌ای کم شناخته و نه چندان فراگیر در تزئین ظروف سفالی عصر آهن فلات مرکزی است. اما نگاهی به نتایج و دستاورد کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه‌های این دوره و توجه به مطالعه، معرفی و مقایسه گونه شناختی سفال‌های عصر آهن این احتمال را تضعیف می‌کند، زیرا اگر اینگونه بود، چنین تکنیکی در ایجاد نقش باید بسیار بیشتر از اینها تکرار و مشاهده می‌شد.

بنابراین این پرسش پیش می‌آید که اگر این نقوش صرفاً تزئینی نیستند چه تفسیر باستان‌شناختی را می‌توان برای آنها پیشنهاد کرد؟ به عقیده کولون در برخی موارد ممکن است مهر زدن ظرفی برای نشان دادن



تعلق آن به کسی انجام شده باشد، هر چند ارتباط بین مهر استوانه‌ای و حفاظت از اموال ممکن است، مهمترین عامل برای مهر زدن آنها باشد (Collon, 1978, p.141).

به احتمال فراوان، این نقوش در رابطه با بیان موضوع، فعالیت یا فرایندی چون کشت و کار می‌باشند. نقوش مورد نظر می‌تواند بازگو کننده فعالیت‌هایی چون ذخیره و مبادله محصول، انبارداری و صادر کردن محصول کشاورزی باشد. به احتمال نقوش همگون این مهرها نمادهایی واحد برای نشانه گذاری و برچسب زدن به فرآورده‌های حاصل از فرآیند کشاورزی هستند. شواهدی از این فعالیت بسیار پیش از این در اواخر هزاره پنجم ق. م. در تل باکون «الف» و سپس در دشت شوشان در محوطه‌هایی چون شوش، چغامیش و تل گسر با نشانه‌گذاری، برچسب زدن و مهمور کردن بسته‌ها و خمره‌ها به دست آمده است (علیزاده، ۱۳۷۲، صص ۴۴-۲۶؛ ۱۳۸۴). نمونه‌های دیگر از این دست، مهرهای خرمن<sup>۱</sup> (تصویر ۱۴) و داغ دام‌ها می‌باشند؛ هر دوی اینها از نشانه‌های مالکیت در زندگی مبتنی بر تولید کشاورزی و دامداری است (میرشکرایی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). مهرهای خرمن در چارچوب نظام زمین داری کلان پدید آمدند؛ مهر کردن خرمن، امری مدیریتی و نظارتی بود و مسئولیت آن را دشتبان و نماینده ارباب بر عهده داشت. مهر خرمن برای نشان کردن محصول و برای نشان کردن آرد در انبارها نیز مورد استفاده بوده است (میرشکرایی، ۱۳۷۸، ص ۳۹؛ ۱۳۷۶). نقش نظارتی نشان کردن خرمن باید از زمانی پدید آمده باشد که مالکیت‌های بزرگ و کوچک، اعم از مالکیت معابد و نیایشگاه‌ها، حکومت‌ها یا افراد بر منابع تولید، در ساختارهای اقتصادی اجتماعی مختلف، شکل گرفتند و سامان یافتند (میرشکرایی، ۱۳۷۸، ص ۲۴).

در اینجا لازم است تا به نقش معابد و پرستشگاههای میان رودانی به عنوان نهادی سازمان یافته اشاره کرد. ثبت و ضبط رسیده‌ها فاکتورها و امور مربوط به صادرات و واردات که روی هزاران لوحه حسابداری شده، نشان‌دهنده نقش معبد به صورت یک واحد اداری است که مسئولیت جمع‌آوری خراج و مالیات و سازماندهی و تنظیم واردات و صادرات از سرزمینهای دور دست را برعهده داشته است (سید سجادی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰). بدین‌گونه پرستشگاه، به عنوان مرکز اقتصادی انباشت و توزیع کالا عمل می‌کرد. از همه مهمتر پرستشگاه محل تمرکز و سازماندهی کار بود. کار روی زمین کارهای ساخت و نگاهداشت آبرها و آب بندها و ساخت و نگهداری خود معبد همه از طریق پرستشگاه انجام می‌شد (وایت‌هاوس، ۱۳۶۹، ص ۸۲). سه گروه از مدارک و اسناد قابل استفاده برای مطالعه چگونگی این سازماندهی وجود دارد: نخستین گروه از این مدارک بقایا و آثار مهرهایی است که از دوره اوروک به بعد دیده می‌شوند. دومین گروه شامل نوشته‌ها و متون و سومین گروه در برگزیده بقایای محصولات تولید شده صنعتگران نظیر اشیاء سفالی و سنگی است (سید سجادی، ۱۳۸۴، صص ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۰). بسیاری از اثر و نقش مهرهای دوران اوروک منعکس کننده مسایل اجتماعی است؛ از جمله صحنه‌های مربوط به مشاغل و گروههای شغلی سازماندهی شده. گروهی از آنها متعلق به مدیران سازمانها یا اداره کنندگان معابد بود. صحنه‌های تصویر شده و موجود روی این گروه از

۱- مهر خرمن شیء چوبی بزرگی است که کارکردی همچون مهر دارد. سطح آن با نقوش مختلف یا نوشته‌هایی تزئین شده است. مهر خرمن در هنگام برداشت محصول توسط مباشر ارباب (زمیندار بزرگ) یا دشتبان بر روی کپه خرمن زده می‌شد و بدین ترتیب رد این مهر بر روی خرمن باقی می‌ماند (شکل ۱۴). این مهر زدن عملی بازدارنده برای جلوگیری از دستبرد و دستکاری خرمن گردآوری شده بود؛ زیرا ممکن بود خرمن‌های یک مالک بزرگ پس از برداشت تا هنگام حمل به انبار چند شیء روی زمین باقی بماند. پس از مهر زدن، اگر خرمن برجای مانده مورد دستبرد قرار می‌گرفت، دشتبان یا مباشر ارباب از این رخداد آگاه می‌گردید.

مهرها نشان‌دهنده سازماندهی یا ساختار قوی و نیرومند و برتر است و نوآوری‌های ایجاد شده در فناوری و تولید سازمانهای کاری و تشکیلات مرکزی را باز می‌نمایاند (همان، صص ۱۵۱-۱۵۰). تفسیر دیگری که بر نقوش مهرها شده مبنی بر استفاده مستقیم آنان توسط مدیرانی است که در بخشهای گوناگون کار می‌کردند و مسئولیتهای خاصی داشتند (سید سجادی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱). نکته قابل توجه این که این اشارات به فعالیتهای کاری و شغلی و تخصصی، بیشتر ویژه مهرهای دوران اوروک است و بعدها اشاره به وظایف صاحب جای خود را به نوشته‌ها داد (همان، ص ۱۵۱). به عنوان مثال در برخی از گل نوشته‌های دوره هخامنشی به اثر مهری به نام پتیسه کارمند «ده یک گیر» بر می‌خوریم که مسئول جمع آوری مالیات محصول جو سال ۲۳ داریوش بوده (کخ، ۱۳۸۵، ص ۷۲)، این شخص (مالیات گیرنده از زمین) توسط شاه منصوب می‌شده است (بریان، ۱۳۸۱، ص ۶۸۸). در نقش مهر دیگری از دوره هخامنشی، تصویر کشاورزی در حال شخم زدن زمین (تصویر ۱۵) مشاهده می‌شود (Delaporte, 1923, no.A. 791). به عقیده کخ نیز به زحمت می‌توان پذیرفت یک چنین کشاورزی، خود صاحب مهری باشد. بیشتر محتمل است این قبیل مهرها از آن زمین‌داران بزرگ بوده باشد (کخ، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷). براساس الواح دیوانی تخت جمشید، کارمندان مالیاتی در تحویل بذر و محصول تعیین شده نظارت داشتند (کخ، ۱۳۸۵، ص ۳۱۹). بر این اساس شواهد پیش رو نشان می‌دهد که فعالیتهای مربوط به کشت و کار در دوره هخامنشی نیز توسط یک سازمان اقتصادی - سیاسی چون دیوان اداری امپراطوری هخامنشی نظارت و مدیریت می‌شده است.

براساس مدارک موجود شواهدی از این فعالیت در استقرارهای عصر آهن فلات مرکزی نیز دیده می‌شود. هر چند شواهد ما برای این فرض تا حد زیادی محدود و اندک است، اما وجود این قطعات به همراه دیگر مدارک موجود، به احتمال، نشانگر وجود نهاد یا سازمانی مدیریتی و نظارتی در رابطه با امور کشاورزی در این دوران در شمال مرکزی فلات ایران است. آنچه ما از شواهد فن مدیریت اقتصادی - اداری عصر آهن در مرکز فلات ایران درمی‌یابیم نشان‌دهنده کوششی برای ساماندهی و کنترل تولید و نظارت بر فعالیت‌های کشاورزی است. در اینجا نکته مهم، توجه به دیگر ویژگیها و شاخصه‌های فرهنگی این دوره است. در این رابطه، مجموعه مدارک به دست آمده از انبار قلی درویش از جمله ساختارهای معماری، مهرهای استوانه‌ای، پلمپ‌های در خمره، توکن‌ها و قطعه سفال مهرزده، شواهد بسیار ارزشمندی از چنین پیچیدگی‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد. مدارک موجود، این احتمال را نشان می‌دهند که در انباری مزبور نوعی فعالیت اداری - اقتصادی در زمینه محاسبه و ثبت و ضبط میزان غلات وارد شده به انبار یا خارج شده از آن انجام می‌شده است (سرلک، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴). علاوه بر این، یکی از مدارک مهم به دست آمده از نیايشگاه قلی درویش تعداد زیادی پلمپ گچی در خمره و توکن‌های محاسباتی گچی کروی شکل بود که ابعاد آنها از یک روند منظم پیروی می‌کرد. وجود چنین مدارکی این احتمال را مطرح می‌کند که برخی مواد مورد نیاز در مراسم آیینی که نذر نیايشگاه می‌شده در همین مکان، محاسبه و ثبت و ضبط می‌شده و به تعبیر دیگر شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که مدیریت مذهبی جامعه عصر آهن قلی درویش به نوعی در مدیریت بازرگانی - اقتصادی نیز مداخله می‌کرده و مؤثر بوده و یا هدایت و نظارت بخشی از سیستم بازرگانی - اقتصادی جامعه در اختیار مدیریت مذهبی قرار داشته است (سرلک، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵). این مدارک احتمالاً حضور و فعالیت مدیریت متخصص بازرگانی - اقتصادی را در جامعه عصر آهن قلی درویش نشان می‌دهد. مدارک موجود، شواهد مهمی دال بر وجود نهادها و سازمانهای اولیه فعال در امور بازرگانی (تهیه، تولید، توزیع، مصرف و

صادرات و واردات مواد و کالاهای تولیدی یا مواد خام مورد نیاز جامعه) با ضمانت اجرایی به شمار می‌آیند (سرلک، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴).

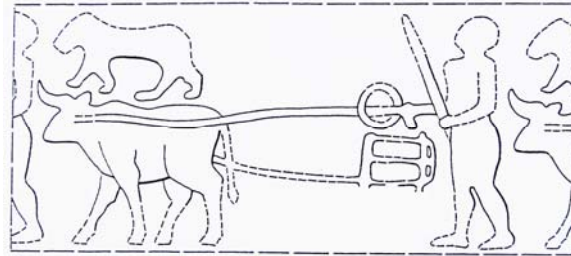
علاوه بر مدارک پیش رو، گورستانهای عصر آهن و بسیاری از شاخصه‌های معماری محوطه‌های استقراری این دوره نیز می‌تواند مبین سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی و ساختارها و نهادهای اقتصادی - اجتماعی - سیاسی این اقوام باشد. اختلاف فضاهای استقراری، نوع مواد و مصالح و تکنیک‌های معماری به کار رفته در فضاها، به وجود جوامعی با سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد (سرلک، ۱۳۸۲، ص ۷۹). وجود دژها با حصارهای قطور دفاعی، نظیر گودین تپه به وجود طبقه جنگاوران و مدیریت متخصص نظامی در جامعه عصر آهن این منطقه اشاره دارد. اتاق منقوش باباجان و همچنین تالارهای بزرگ ستوندار حسنلو و سگزآباد و فضاهایی با کاربری ویژه در معمورین می‌تواند بیانگر آن باشد که جوامع استقراری عصر آهن، از نقطه نظر سیاسی، مذهبی و اجتماعی دارای ساختارهای مشخصی بوده‌اند و در این جوامع، فعالیت‌های مذهبی و امور سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به صورت نهادهای متخصص حرفه‌ای شکل گرفته بود، و کارکردهای مربوط به آن، هر یک دارای فضاهای خاص خود با عملکرد ویژه در بطن جوامع این دوره فعالیت داشته‌اند (سرلک، ۱۳۸۲، صص ۷۹-۸۰). دو دیگر توجه به نحوه توزیع استقرارهای عصر آهن، الگوهای استقراری و شناخت مراکز و حومه در آن دوران است. زیرا چنین ویژگی‌هایی را نیز باید در قالب مدل‌های باستان‌شناختی تفسیر و تبیین کرد.

نکته قابل توجه اینکه ذکر چنین شواهدی در اینجا به هیچ وجه بیانگر سیر تحول چنین روندی طی دوران‌های مختلف از نیمه پسیین هزاره پنجم ق. م. تا عصر آهن نیست بلکه به اعتقاد ما روند پیچیدگی اجتماعی - اقتصادی در مرکز فلات ایران نه تنها دنباله‌رو فرهنگهای آغاز شهرنشینی در دشتهای پست شوشان و جنوب میانرودان نیست بلکه روایتی جداگانه دارد که خود موضوع نوشته بلند دیگری است. درک و آگاهی از این پیچیدگی‌ها در عصر آهن، نکات تازه‌ای را پیرامون شیوه‌های معیشتی، نهادهای اقتصادی - اجتماعی، دگرگونی و توسعه این جوامع پیش‌رو قرار خواهد داد.

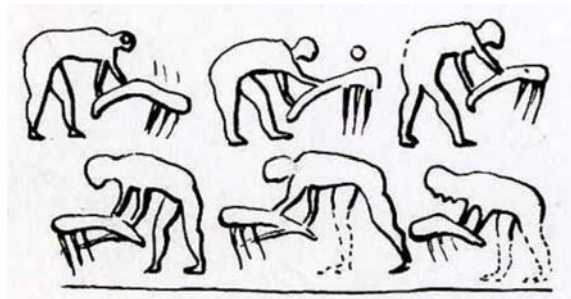
## سپاسگزاری

برخود لازم می‌دانیم از تمامی کسانی که در نگارش این مقاله ما را یاری رساندند سپاسگزاری و قدردانی نماییم. نخست دکتر کامیار عبدی، مهرداد ملکزاده و دکتر علی موسوی. در اینجا از ایشان به خاطر بازخوانی متن مقاله و همه راهنمایی‌ها، هم‌اندیشی‌ها، تذکرات و پیشنهادهای ارزنده‌اشان صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌نماییم. از سیامک سرلک، جعفر مهرکیان و دکتر حسن طلایی نیز که آگاهی‌های ارزشمندی را در مورد یافته‌هایشان در اختیارمان قرار دادند، همچنین از دکتر کمال‌الدین نیکنامی، محمدرضا نعمتی، امیر ساعد، محمدتقی عطایی، محمد کرمی و علی‌اکبر وحدتی به خاطر انتقادات، پیشنهادات و همکاری‌های دوستانه‌شان سپاسگزاریم. در پایان از سیما میری برای معرفی یک منبع لاتین و از زهرا غفاری نیز برای طراحی قطعه سفال مهرزده گلستان متشکریم. ذکر این نکته ضروری است که ما خود مسئول هرگونه کژی و کاستی در نوشتارمان هستیم و هر انتقادی تنها متوجه نگارندگان خواهد بود.

در پایان صمیمانه علاقه‌مندیم تا این مقاله را با تمامی کاستی‌هایش به آقای دکتر کامیار عبدی پیشکش نماییم.



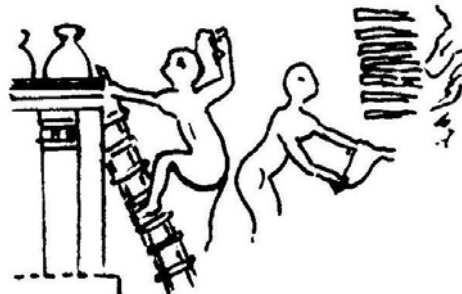
شکل ۱: چغامیش؛ صحنه شخم زدن زمین با گاو (Delougaz and Kantor, 1996, pl.146 B)



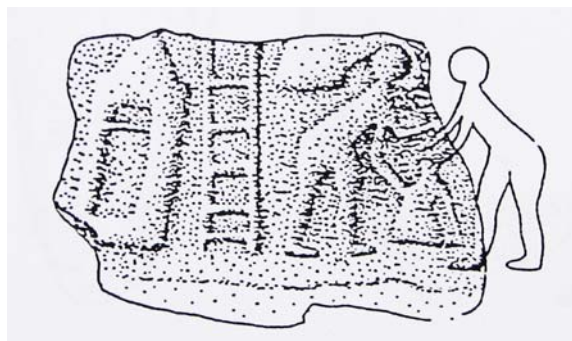
شکل ۲: شوش؛ صحنه شخم زدن زمین (Amiet, 1972, pl.14, no: 621)



شکل ۳: شوش؛ انبار کردن آذوقه (Amiet, 1972, pl.16, no: 660)



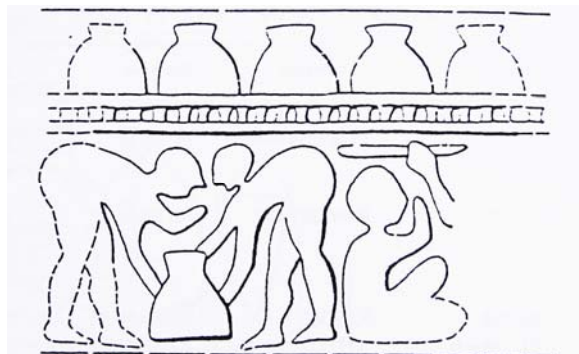
شکل ۴: شوش؛ انبار کردن آذوقه (Amiet, 1972, pl.16, no: 663)



شکل ۵: چغامیش؛ انبار کردن آذوقه (Delougaz and Kantor, 1996, pl.131 C)



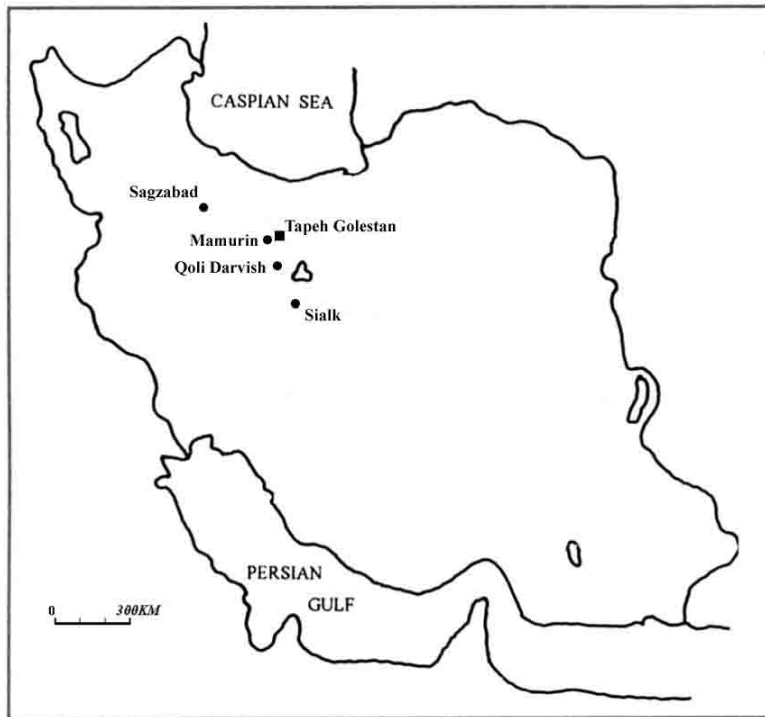
شکل ۶: چغامیش؛ انبار کردن آذوقه (Delougaz and Kantor, 1996, pl.149 A)



شکل ۷: چغامیش؛ انبار کردن آذوقه (Delougaz and Kantor, 1996, pl.149 B)



شکل ۸: شوش؛ گردآوری آذوقه (Amiet, 1972, pl.16, no: 656)



نقشه ۱: نقشه پراکنندگی محوطه‌های استقراری عصر آهن در فلات مرکزی ایران  
(محوطه‌های مورد مطالعه)



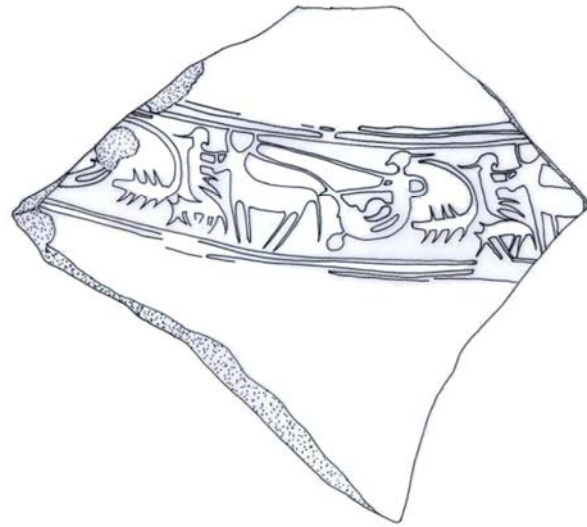
تصویر ۱: نمایی از تپه گلستان رباط کریم (دید از جنوب)



تصویر ۲: مجموعه سفالهای گردآوری شده از تپه گلستان



تصویر ۳: قطعه سفال خاکستری با اثر مهر استوانه‌ای از تپه گلستان



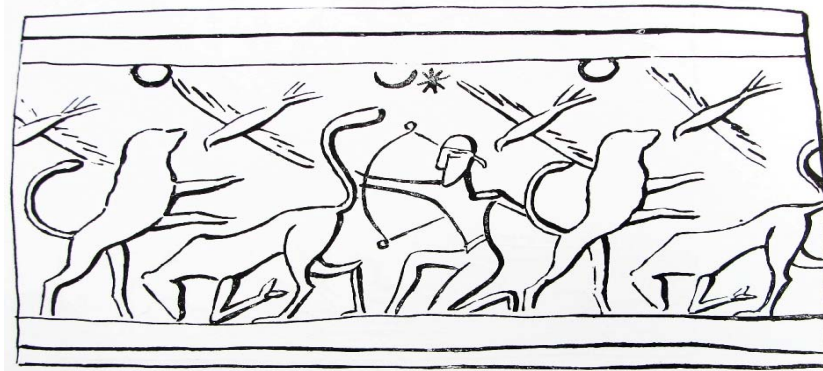
شکل ۹: طرح قطعه سفال مهرزده تپه گلستان



شکل ۱۰: طرح قطعه سفال مهرزده معمورین (Sarkhosh Curtis and Simpson, 1997, p.143 fig. 7)



تصویر ۴: قطعه سفال خاکستری با اثر مهر استوانه‌ای از تپه معمورین رباط کریم (مهرکیان، ۱۳۷۴، ص ۷۵)



شکل ۱۱: مهر استوانه‌ای از مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۱؛ تصویر ۱۴)

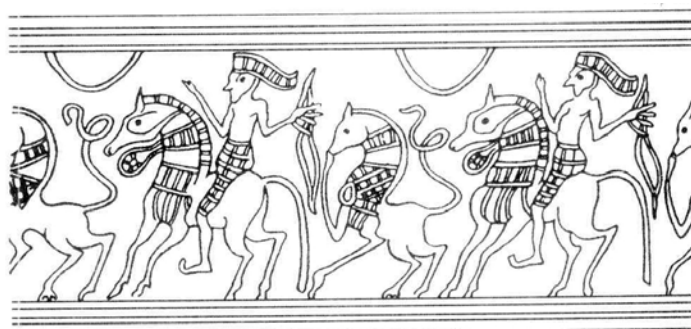




تصویر ۵: نقش جنگاور بر سفالی از گورستان B سیلک (Ghirshman, 1963, fig. 7)



تصویر ۶: نقش جنگاور بر قطعه سفالی از گورستان B سیلک (Ghirshman, 1963; fig. 9)



شکل ۱۲: مهر با نقش سواران از گورستان B سیلک (Ghirshman, 1939, pl.LVI, s. 801)



تصویر ۷: سایمالی تاش (قرقیزستان)؛ نقش صخره‌ای، صحنه شخم زدن زمین با حیوان (فرامکین، ۱۳۷۰؛ II)



تصویر ۸: سایمالی تاش (قرقیزستان)؛ نقش صخره‌ای، صحنه شخم زدن زمین با حیوان (بلنیتسکی، ۱۳۶۴، ص ۵۱)



تصویر ۹: قلی درویش؛ انباری بزرگ و خمره‌های درون آن (سرلک، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰؛ تصویر ۹)



تصویر ۱۰: قلی درویش؛ قطعات پلمپ در خمره‌های بزرگ از درون انباری (سرلک، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱؛ تصویر ۱۰)



تصویر ۱۱: قلی درویش؛ تعدادی از توکن‌های گچی مکشوفه از انباری (سرلک، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱؛ تصویر ۱۱)

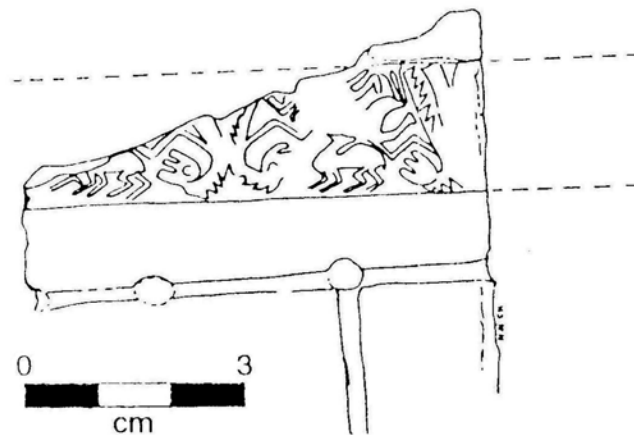


تصویر ۱۲: قلی درویش؛ مهرهای استوانه‌ای مکشوفه از درون انباری (سرلک، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱؛ تصویر ۱۲)



تصویر ۱۳: قلی درویش؛ سفال با اثر مهر استوانه‌ای مکشوفه از درون انباری

(سرلک، ۱۳۸۷، ص ۲۰۲؛ تصویر ۱۳)



شکل ۱۳: سیلک؛ قطعه سفالی با اثر مهر استوانه‌ای (نوروززاده چگینی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴؛ طرح ۱)



تصویر ۱۴: نمونه ای از یک مهر خرمن (میرشکرایبی، ۱۳۷۶، ص ۴۲؛ تصویر ۱۰)



شکل ۱۴: طرحی از مهرزدن خرمن (میرشکرایبی، ۱۳۷۶، ص ۳۱؛ تصویر ۱)



تصویر ۱۵: مهر هخامنشی با صحنه شخم زدن زمین (Delaporte, 1923; A. 791)

## منابع:

- ۱- باقری، محسن، گزارش پژوهشی و شناسایی آثار فرهنگی - تاریخی حوزه فرمانداری رباط کریم، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده)، ۱۳۸۰.
- ۲- \_\_\_\_\_، «معرفی اجمالی رباط کریم و فهرست آثار تاریخی - فرهنگی آن»، پژوهشنامه، مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، دفتر پنجم، انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۱، صص: ۲۵-۳۸.
- ۳- بریان، پیر، امپراطوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، جلد اول، نشر و پژوهش فرزانه روز - نشر قطره، جلد اول، تهران، ۱۳۸۱.
- ۴- بلنیتسکی، الکساندر، خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)، ترجمه پرویز ورجاوند، نشر گفتار، تهران، ۱۳۶۴.
- ۵- پیتمن، هالی، هنر عصر مفرغ؛ جنوب شرق ایران، آسیای میانه غربی و دره سند، ترجمه کوروش روستایی، انتشارات مؤسسه پیشین پژوه - مهر بردیا، تهران، ۱۳۸۴.
- ۶- حاکمی، علی، گزارش هشت فصل بررسی و کاوش در شهداد، ۱۳۵۴-۱۳۴۷ شمسی، به کوشش محمود موسوی، انتشارات پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه باستان‌شناسی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۷- سرلک، سیامک، «مقدمه‌ای بر مطالعات اجتماعی - فرهنگی عصر آهن»، پژوهشنامه، مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، دفتر ششم، انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۲، صص: ۷۰-۸۳.
- ۸- «گزارش توصیفی مقدماتی چهارمین فصل کاوشهای باستان شناختی تپه قلی درویش جمکران - قم»، گزارشهای باستان‌شناسی (۷)، جلد دوم، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه باستان شناسی، ۱۳۸۷، صص: ۱۸۹-۲۰۸.
- ۹- سرلک، سیامک و ملکزاده، مهرداد، «آجرهای منقوش عصر آهن پایانی ماد شرقی، سکوی خشتی قلی درویش جمکران و سازه بزرگ سیلک کاشان»، مجله باستان شناسی [موزه ملی ایران و جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران]، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۳، صص: ۵۲-۵۶.
- ۱۰- سید سجادی، سید منصور، «نشانه سفالگران در شهر سوخته»، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره پنجم، دوره نخست، شماره پیاپی ۵، ۱۳۸۲، صص: ۱۷-۴۸.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، نخستین شهرهای فلات ایران، جلد ۱، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۲- طلایی، حسن، «نویافته‌های عصر مفرغ متأخر در تپه سگزآباد دشت قزوین»، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران (کرمان - بم)، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۸، صص: ۳۴۳-۳۵۶.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول پیش از میلاد، سمت، تهران ۱۳۷۴.
- ۱۴- \_\_\_\_\_، عصر مفرغ ایران، سمت، تهران ۱۳۸۵.
- ۱۵- علی‌بیگی، سجاد، گزارش تعیین عرصه و حریم تپه باستانی گلستان شهرستان رباط‌کریم، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده)، ۱۳۸۵.
- ۱۶- علی‌بیگی، سجاد و خسروی، شکوه، «نگاره کشاورزان عصر آهن بر روی قطعه سفالی از رباط کریم (تهران)»، باستان پژوهی، دوره جدید، شماره ۵ (زیر چاپ).
- ۱۷- علیزاده، عباس، «پیچیدگی ساختار اجتماعی - اقتصادی و فن مدیریت تجاری در یک جامعه پیش از تاریخ»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم، شماره اول و دوم (یادنامه هلن جی. کنتور)، شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴، ۱۳۷۲، صص: ۲۶-۴۴.
- ۱۸- \_\_\_\_\_، منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، تل باکون؛ کوچ‌نشینی باستان و شکل‌گیری حکومت‌های اولیه، ترجمه کوروش روستایی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مؤسسه پیشین پژوه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۹- فرامکین، گرگوار، باستان‌شناسی در آسیای مرکزی، ترجمه دکتر صادق ملک شه‌میرزادی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۰- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، سفال و سفالگری در ایران از آغاز دوره نوسنگی تا دوران معاصر، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۹.

- ۲۱- کخ، هایدماری، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، انتشارات کارنگ، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲۲- گیرشمن، رومن، سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲۳- ملک شه میرزادی، صادق (۱۱)، مارلیک، شماره ۲، دانشگاه تهران، تهران، ۲۵۳۶، صص: ۸۱-۹۸.
- ۲۴- \_\_\_\_\_، «انتقال اندیشه؛ سوسک مصری در دشت قزوین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم، شماره اول و دوم (یادنامه هلن جی. کنتور)، شماره پیاپی ۱۴ و ۱۳، ۱۳۷۴، ۶۶-۷۴.
- ۲۵- \_\_\_\_\_، زیگورات سیلک، گزارش فصل یکم، طرح بازنگری سیلک، سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی، سلسله گزارشهای باستان‌شناسی ۲، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۶- مهرکیان، جعفر، «معمورین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، ۱۳۷۰، ص: ۸۶.
- ۲۷- \_\_\_\_\_، «افقی نوین در پژوهشهای فرهنگ سفال خاکستری» میراث فرهنگی، شماره ۱۳، ۱۳۷۴، صص: ۷۴-۷۵.
- ۲۸- \_\_\_\_\_، «پژوهش در معماری نویافته فرهنگ سفال خاکستری در تپه معمورین»، مجموعه مقالات نخستین کنگره معماری و شهرسازی ایران (کرمان - بم)، به کوشش: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۵، صص: ۳۴۵-۳۵۶.
- ۲۹- میرشکرایبی، محمد، «مهر خرمن (شغل، دج)»، مجله موزه‌ها، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۷۶، صص: ۳۰-۴۶.
- ۳۰- \_\_\_\_\_، مهر و داغ بر خرمن و دام، پژوهش مردم‌شناسی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳۱- نگهبان، عزت‌الله، «مهرهای مارلیک»، مجله مارلیک، ش ۲، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۱، صص: ۱-۳۱.
- ۳۲- نوروززاده چگینی، ناصر، «آجرهای با نقش اثر مهر» زیگورات سیلک، گزارش فصل یکم، طرح بازنگری سیلک، به کوشش دکتر صادق ملک شه میرزادی، سلسله گزارشهای باستان‌شناسی ۲، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۸۱، صص: ۱۷۱-۱۷۵.
- ۳۳- ملک‌زاده بیانی، تاریخ مهر در ایران از هزاره چهارم تا هزاره اول، انتشارات یزدان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۴- ملک‌زاده، مهرداد، (الف) سازه بزرگ سیلک؛ ساخت و سازی از دوره ماد یا زیگورات خورشید، باستان‌پژوهی، نشریه هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران، پیوست شماره ۱۲، ۱۳۸۳.
- ۳۵- \_\_\_\_\_، (ب) «پشته خشتی سیلک؛ سازه‌ای از دوره ماد یا زیگوراتی... (۹)»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هجدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۳۶، ۱۳۸۳، صص: ۶۰-۸۲.
- ۳۶- وایت هاوس، روث، نخستین شهرها، ترجمه مهدی سبحانی، نشر فضا، تهران، ۱۳۶۹.

- 37- Alibaigi, S and Khosravi, Sh 2009 "Iron Age ploughmen on a potsherd from tepéh Golestan, south of the Tehran plain, Iran", *Antiquity (Vol83, no320)*, Project Gallery.
- 38- Amiet, P., 1972., *Glyptique Susienne (Mémoires de la Délégation archéologique en Iran 43)*, Paris. Vol II-Planches.
- 39- Amiet, P., 1985., "Quelques témoins des contacts de Susa avec les pays du Levant au IIIe et IIe millénaire", in Durand, J.-M., and Kupper, J.-R., EDS., *Miscellanea Babilonica: Mélanges offerts à Maurice Birot*, Paris: Editions Recherche sur les Civilisations, 9-15.
- 40- Boemer, R.M., 1985., "Uruk-Warka XXXVII-Survey des Stadgebiete Von Uruk", *Baghdader Mitteilungen* 16.
- 41- Burton-Brown, T., 1951., *Excavation in Azarbaijan, 1948*. London: John Murray.
- 42- Collon, D., and Zaquzouq, A., 1972., *Céramique des carrés AI et BI ouverts au flanc du Tell en 1970 et 1971 in Balty, J. and J. ch. (eds.), Actes du colloque Apamée de syrie-Bilan de recherches archéologiques 1969-1971*, Brussels.
- 43- Collon, D., 1987., *First Impressions cylinder seals in the ancient near east*, British Museum Press.
- 44- De Cardi, B., 1970., "Excavation at Bampur, A Third Millennium Settlement in Persian Baluchistan" 1966, New York: American Museum of natural History.
- 45- Delaporte, L., 1923 *Musee de Louvre, catalogue des cylender oriental uxII*, Acquisitions, Paris.
- 46- Delougaz, P. and Kantor, H., 1996 *Chogha Mish: first five seasons of excavation 1961-1971, Vol I, Part 2: Plates*, edited by Abbas Alizadeh, Chicago, Illinois.
- 47- Ertem, H., 1974., "Han Ibramm Sah Excavation, 1971". In *Keban Project 1971 Activities*, 65-69. Keban Project Publications, series 1, no. 4. Middle East Technical University, Ankara.
- 48- Ghirishman, R., 1935., *Raport preliminare sur les fouilles De Tépé Sialk pers De Kashan (Iran), extrait de la Revue, Syria*, Paris.
- 49- Ghirishman, R., 1939., *Fouilles De Sialk Pres De Kashan 1933, 1934, 1937, Vol II*, Paris.
- 50- Ghirishman, R., 1963., *Perse, proto-iraniens Mèdes Achéménides*, Paris.
- 51- Hakemi, A., 1996 *Shahdad. Archeological excavation of a Bronze Age center in Iran*, Translated and edited by S.M.S. Sajjadi. ISMEO, Rome.
- 52- Hood, S., 1973-4 "An oriental Cylinder Seal impression from Romania?", *world Archaeology* 5, Pp. 187-97.

- 53- Lamberg-Karlovsky, C.C., 1970 "Excavation of Tepe Yahya", Iran 1967-1969, progress Report I (American School of Prehistoric Research Bulletin, 27), Cambridge.
- 54- Rothman, M., 1994., Sealing as a control Mechanism in Prehistory: tepe Gawra XI, X and VII In chifdom and early states in near East.: organizational Dynamics of Complexity, edited by G. Stien and M.S. Rothman. Prehistory Press. Madison, Wisconsin. (Orientaly published in 1984), Pp. 137-144.
- 55- Sarkhosh Curtis, V and Simpson, st., J., 1997., Archaeological News from Iran, IRAN., Vol XXXV, Pp. 137-44.
- 56- Sajjadi, S.M.S., 2003a "Excavation in Shahr-i Sokhta", Iran: LXI: Pp. 21-97.
- 57- Tala'i, H., 1983., "Late Bronze Age and Iron Age Architecture in Sagzabad – Qazvin Plain central Plateau of Iran", Iranica Antiqua 18: 51-57.
- 58- Thrane, H., 2001., Excavation at Tepe Guran in Luristan, The Bronz Age and Iron Age Periods. Jutland Archaeological Society, Vol. 38.